



نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

صفحات: ۷۳-۸۸

10.52547/mmi.2338.14020820

تأثیر کالبد و مراتب فضایی در حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های دوره صفویه اصفهان (مطالعه موردی مسجد-مدرسه‌های چهارباغ، امام و حکیم)

حامد حیاتی* سیده زهرا مشعلی**

چکیده

کالبد و رعایت مراتب در فضاهای معماری یکی از مهم‌ترین اصول در شکل‌گیری بناهای ایرانی است که از نمودهای تفکرات و اندیشه‌های اسلامی مطرح و خصوصیات خاص سنت است که ابعاد مختلفی دارد. در فرهنگ اسلامی-ایرانی مسجد-مدرسه‌ها جایگاه ویژه‌ای در معماری داشته‌اند. از این رو، در این راستا در دوره صفوی مدارس به عنوان مهم‌ترین مراکز آموزشی در خدمت مساجد، به یکی از مهم‌ترین انواع ابنیه تبدیل شدند. بر مفهوم توالی و سلسله‌مراتب در معماری اسلامی-ایرانی همیشه تأکید شده است. این اصل به طور خاص در کالبد مسجد-مدرسه‌ها مورد توجه معماران بوده است. توالی و سلسله‌مراتب فضایی می‌توانند منجر به احساس تعلق افراد به مسجد-مدرسه‌ها گردند. باتوجه به تغییرات کالبدی مسجد-مدرسه‌ها در طول دوران، مفهوم و کاربست سلسله‌مراتب نیز، دچار تحول شده است. بنابراین، باتوجه به تأثیر سلسله‌مراتب بر احساس تعلق به مکان، ضرورت دارد که ارتباط میان سلسله‌مراتب در مسجد-مدرسه‌ها با حس تعلق به مکان، مورد بررسی قرار گیرد. لذا پرسش اصلی پژوهش این است که تأثیر سلسله‌مراتب بر ایجاد حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های دوره صفوی چیست؟ هدف نوشتار حاضر، تأثیر کالبد و مراتب فضایی در حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های دوره صفویه می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات پژوهش، به لحاظ نوع نتایج توصیفی-تحلیلی و به لحاظ رهیافت، تاریخی-تفسیری است. اطلاعات به شیوه تحلیل گونه‌شناختی و با شیوه گردآوری داده کتابخانه‌ای (اسنادی) و با ابزار نقشه‌خوانی، سندخوانی و فیش‌برداری شده است. ابتدا، ارکان معماری مساجد بررسی شده است. سپس درباره نقش این اصول از جمله مراتب فضایی منطبق بر کالبد بر حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های شاخص دوره صفوی، چهارباغ، امام و حکیم، در اصفهان بحث خواهد شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که ترتیب، توالی، و نظم درونی که شاکله کالبد را تشکیل می‌دهند، سبب شده‌اند که افراد حس تعلق به مکان داشته باشند. به گونه‌ای که تغییر توالی و یا حذف سلسله‌مراتب باعث می‌شود ماهیت عناصر کالبدی به منظور ایجاد تعلق خاطر، تغییر پیدا کند. براساس این تحول، درک از عناصر کالبدی در سلسله‌مراتب به طور صحیح صورت نگرفته است و حس تعلق به مکان، افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: مراتب فضایی، حس تعلق، کالبد، مسجد-مدرسه، صفویه.

* استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه قم، قم.

** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز (نویسنده مسئول).



مقدمه

اصل توجه به مراتب فضایی می‌تواند به صورت طبیعی و یا توسط انسان، بر جهان هستی و صنایع دستی انسانی، حاکم شود. این اصل، نقش به‌سزایی در احیا و ساخت یک مجموعه دارد و سبب هویت بخشی به آن خواهد شد. در معماری ایران، دو نوع تقسیم‌بندی برای سلسله مراتب صادق است. اول به صورت شکلی، مانند ایجاد مقرنس، جهت تسهیل بصری تبدیل سطوح عمودی دیوارها به سقف. دوم به صورت معنایی، که در شکل‌گیری یک فضا مبتنی بر اتصال، انتقال، و وصل، ایجاد می‌شود. این نوع از تداوم فضایی، معانی‌ای را شامل می‌شود که علاوه بر تأمین نیاز عملکردی و فضایی، به توالی تسلسل حالات و احساسات منجر شده و بر ادراک مخاطب ناشی از فعالیت در فضا، مؤثر است (طیسی و فاضل‌نسب، ۱۳۹۱: ۸۵). معنای به‌وجودآمده می‌تواند با عوامل ایجادکننده حس تعلق به مکان نیز، مرتبط باشد. از این جهت که حس تعلق به مکان در کالبد، با تجربه و درک از محیط و تعامل با آن، سروکار دارد. بنابر توضیحاتی که در بحث معنای حس مکان و عوامل ایجادکننده حس تعلق به مکان داده شد، به نظر می‌رسد مفهوم سلسله مراتب و حس تعلق به مکان، نسبتی با یکدیگر دارند. در تأیید این موضوع، مطالعات نشان می‌دهند که جنبه‌های کاربردی و نحوی نشانه‌ها که به ترتیب با فعالیت‌ها و سلسله مراتب مرتبط‌اند، در ایجاد حس مکان مؤثر هستند (فلاح و نوحی، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۳). حس تعلق به مکان در ارتباط بین انسان‌ها و محیط‌ها، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید. درواقع پیوند فرد با یک مکان، بر پایه حس مکان به وجود می‌آید که در آن، انسان خود را جزئی از مکان می‌داند. مکان‌های عمومی شهر از مهم‌ترین اجزای عمومی هر شهر محسوب می‌شود. در توسعه شهرهای ایرانی نیز از دیرباز، همواره مکان‌هایی همانند مسجد- مدرسه‌ها وجود داشت که با ایجاد امکان تعاملات اجتماعی و پذیرش نقش فرهنگی- اجتماعی، در تقویت این نقش بسیار مؤثر بودند. (ترکمن و سهیلی، ۱۴۰۰: ۲۲۱).

این نکته نیز قابل توجه است که ارتباط مستقیمی میان مراتب فضایی با فعالیت‌هایی همچون

حرکت، مکث، استراحت، گردش، و تماشای منظره در فضا وجود دارد. این بدان معنی است که شکل یا فرم فضا، با واکنش کاربر در فضا مرتبط است (دی کی چینگ، ۱۳۹۱: ۲۸۶).

به صورت کلی انتظام در یک مجموعه، درک و شناخت بهتری را از مکان به انسان می‌دهد و فعالیت او که شامل حرکت و سکون است؛ در ذهن او ماندگاری و حس تعلق ایجاد می‌کند (نژادابراهیمی و شیخ‌الحکمایی، ۱۴۰۰: ۶۳). در معماری دوره اسلامی ایران، بناهای عمومی همانند مسجد- مدرسه‌ها مکان‌هایی برای تعاملات افراد با سلیقه‌ها و تفکرات مختلف بودند، این بناها با عملکردها و فضاهای متنوع خود و با داشتن فضاهایی بینابین که نقش تعیین‌کننده‌ای در سازمان‌دهی عملکردهای متنوع این مکان‌ها و پیوند بیشتر فرد با آن را داشتند، تشکیل یک کل واحد را می‌دادند، و تمایل فرد به ماندن در آن مکان را میسر می‌ساختند (ترکمن و سهیلی، ۱۴۰۰: ۲۱۹). رعایت سلسله مراتب در ساخت بناها جزو اصولی بود که انتظام فضایی را در بناهای مختلف از جمله مساجد در پی داشته است. مسئله رعایت اصول و توالی سلسله مراتب که در طول سال‌ها در مساجد مورد استفاده بوده است؛ تأثیر مستقیمی بر احساسات افراد و فعالیت‌های او در طول بازدید از مساجد داشته است؛ چراکه فعالیت شکل گرفته ارتباط مستقیمی با انسان و ذهنیات او نسبت به مسجد دارد و منجر به ایجاد حس تعلق به مکان می‌شود. بعد از دوره قاجاریه و در دوره‌های پهلوی و جمهوری اسلامی با ایجاد تغییراتی در الگوی مساجد، سلسله مراتب آن‌ها دچار تغییراتی شد که با توجه به تأثیر آن‌ها بر فعالیت و ذهنیات افراد، ضرورت دارد ارتباط میان سلسله مراتب با حس تعلق به مکان، مورد بررسی قرار گیرد (نژادابراهیمی و شیخ‌الحکمایی، ۱۴۰۰: ۶۳). لذا تبیین عوامل کالبدی تأثیرگذار بر حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های دوره صفویه و وجه روان‌شناختی این نگرش، هدف این تحقیق است. می‌توان بیان کرد که اصل سلسله مراتب و سازمان‌دهی فضاها به واسطه ویژگی‌های کالبدی، کارکردی، و معنایی خود می‌توانند تعاملات اجتماعی و ارتقای کیفیت و تعامل در فضا را برای ایجاد حس تعلق به مکان در افراد، تأمین کنند. توجه به این رویکرد، به منظور دستیابی به معماری معناگرا و درک نقش عوامل روان‌شناختی در شکل‌گیری کالبد بنا - که در این پژوهش به‌طور خاص در نمونه‌های مسجد-مدرسه بررسی



طبیعی و دید و منظر، تنوع-هماهنگی و تناسبات در طرح، و تزیینات به کاررفته در مسجد که در دوره‌های مختلف اجرا شده‌اند. احد نژادابراهیمی و محمد شیخ‌الحکمایی (۱۴۰۰) در مقاله «اثر توالی سلسله‌مراتب در آفرینش حس تعلق به مکان مساجد تبریز»، به این نتیجه رسیده‌اند که سلسله‌مراتب و حس تعلق به مکان در مساجد، مکمل یکدیگر هستند به‌طوری‌که تغییر توالی یا حذف سلسله‌مراتب در هر دوره، باعث می‌شود ماهیت عناصر کالبدی، از سکون به حرکت یا گذر از سلسله‌مراتب، تغییر پیدا کند. پس در نتیجه این تحول، تجربه و درک از نشانه‌های کالبدی در سلسله‌مراتب به‌درستی صورت نگرفته است و حس تعلق به مکان، افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سپیده الهی و محمد ادیبیان (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی سلسله‌مراتب ورود به مساجد»، سعی کرده‌اند تا با ارائه تعریفی از سلسله‌مراتب و عوامل مؤثر بر آن، به ارتباط و تأثیر سلسله‌مراتب، حریمیت، و درون‌گرایی اشاره نمایند و در انتها، به سازمان فضایی- کالبدی معماری مساجد بپردازند. حس تعلق به مکان در پژوهش‌های دیگر در ابعاد و مقیاس مختلفی چون خانه، محله، شهر و یا اماکن خاص انجام پذیرفته است. رویکرد انتخابی برای بررسی آن‌ها غالباً مربوط به رضایت‌مندی، آسایش، امنیت، خوانایی، نفوذپذیری، ارتباطات، و بررسی مؤلفه‌ها و تبیین آن‌ها می‌شود. این رویکرد، براساس ویژگی‌های کالبدی، از محیط برداشت شده است. در کنار پژوهش‌های انجام‌شده، در زمینه سلسله‌مراتب و مسجد-مدرسه‌ها نیز عمدتاً مطالب حول مباحثی چون تطبیق و تحلیل ساختار معماری و تزیینات مساجد، بررسی سلسله‌مراتب ورود به مساجد، گونه‌شناسی مسجد-مدرسه، تحلیل پیکره‌بندی مسجد-مدرسه، و اثر توالی سلسله‌مراتب در آفرینش حس تعلق به مکان مساجد، می‌پردازند. به‌طور کلی با بررسی پیشینه تحقیق، می‌توان به این نتیجه رسید که در تحقیقات پیشین هریک به ابعادی پرداخته‌اند که بیان‌کننده تأثیر سلسله‌مراتب در حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های دوره صفویه اصفهان نیست. لذا پژوهش حاضر، به این موضوع می‌پردازد.

روش تحقیق و پرسش پژوهش

این پژوهش به‌صورت کیفی و با استفاده از روش تطبیقی، مفهوم سلسله‌مراتب را در مساجد-مدرسه‌های اصفهان در دوره صفوی، تحلیل می‌کند. در این تحقیق نگارندگان، شاخصه‌های کالبدی مسجد-مدرسه‌ها را با بهره‌گیری از روش تحلیلی، و اصل سلسله‌مراتب را با در نظر گرفتن تأثیر کالبد بر حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌ها، مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

می‌شود- از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این پژوهش درصدد بررسی تأثیر کالبد و مراتب فضایی در حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های دوره صفویه اصفهان براساس واکاوی عناصر کالبدی در مسجد-مدرسه‌هایی همچون چهارباغ، امام، و حکیم، است.

پیشینه پژوهش

حامد حیاتی و مهسا بهداروند (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه تطبیقی چگونگی ارتباط میان فضای آموزشی و نیایشی در مسجد-مدرسه‌های دوره تیموری و صفوی»، به این نتیجه رسیده‌اند که عمده‌ترین دگرگونی‌ها در مدارس دوره صفوی، پاسخ به تأمین فضاهای اقامتی، آموزشی و نیایشی مطلوب‌تر برای طلاب بوده است. گاهی مدارس دو ورودی جداگانه جهت دسترسی به فضاهای آموزشی و عبادتی دارند، یا این دو بخش، کاملاً در هم‌جواری یکدیگر می‌باشند. آرش حسینی علمداران و همکاران (۱۳۹۶) در «گونه‌شناسی مسجد-مدرسه‌های ایران، براساس شیوه دسترسی»، به این نتیجه رسیده‌اند که این نوع کالبد، معماری را به سه گروه کلی تقسیم و گونه‌بندی می‌کند. مسجد-مدرسه‌های گونه اول با نگاه ریزبینانه به شریعت اسلامی، براساس جدایی فضای نیایشی و آموزشی ساخته می‌شده‌اند. مساجد گونه دوم، ساده‌تر و مختصرتر هستند. گونه سوم از دو گونه دیگر، متأخرتر است و ترکیب کامل مسجد و مدرسه در آن کاملاً پذیرفته شده است. بیتا اسمعیلی و اکرم حسینی (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل پیکره‌بندی مسجد-مدرسه‌های ایران در دوره صفویه و قاجار»، به این نتیجه رسیده‌اند که مسجد-مدرسه‌ها در هر دو دوره صفوی و قاجار، براساس بیشترین و ساده‌ترین حد مجاورت و هم‌پیوندی شکل گرفته‌اند. حامد حیاتی و بتول مرتضوی کیا (۱۴۰۰) در مقاله «تبیین مؤلفه‌های حس مکان در مساجد تاریخی دزفول» به این دستاورد دست یافتند که مؤلفه‌های کالبدی و ادراکی، تأثیری بیشتر و ابعاد اجتماعی و عملکردی، تأثیر کمتری را در القای حس مکان در مساجد دارند. همچنین، متغیرهای فرم و هندسه بصری، فرم و هندسه ادراکی و خدمات به‌صورت مستقیم در القای حس مکان در مساجد، مؤثر هستند. محمد بهزادپور و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تبیین چگونگی ایجاد حس مکان و روح مکان در مساجد تاریخی ایران»، به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه منجر به ایجاد حس دل‌بستگی و وابستگی در انسان می‌شود شامل این موارد است: مرزبندی و حریم بین فضاها، میزان عمومی و خصوصی بودن فضا، مصالح و بافت موجود در مصالح، روش‌های اجرا، به‌کارگیری عناصر



این بررسی به منظور پاسخ به این پرسش است: تأثیر سلسله‌مراتب بر ایجاد حس تعلق به مکان در مساجد - مدرسه چیست؟ رعایت توالی سلسله‌مراتب در مسجد - مدرسه‌ها بر کاربر مؤثر است. ترتیب، توالی و نظم درونی که عنصر سلسله‌مراتب در پی خود به همراه دارد، سبب شده که کاربر در راستای تعامل با ذهنیت انسان که به دنبال نظم و ترتیب در پدیده‌هاست، در این مکان‌ها احساس تعلق خاطر به فضا داشته باشد.

مبانی نظری

مفهوم روح مکان

هر موجودی، «روح» خاص خود را دارد که بر پایه آن، خصلت ویژه‌اش را شکل می‌دهد. انسان، به عنوان فاعلی زیسته در جهان که زندگی‌اش در بستر مکان به وقوع می‌پیوندد، نیازمند درک «روح مکان» است. چنین درکی مستلزم گشودگی نسبت به محیط، دریافت ویژگی‌های آن و حاضر ساختن این ویژگی‌ها در اثر معماری است؛ اثری که واجد عینیت و خصلت ویژه خود است. از این رو، انسان با برافراشتن بناها و عمل معماری، روح مکان محیط را آشکار می‌سازد.

مفهوم مکان هم از حاوی (جسم) و هم از محوی (روح) تشکیل شده است. موجودیت ملموس نیست، اما در آگاهی بیننده‌ای وجود دارد که حدود جسم را به چشم در می‌یابد. در حالی که عقل او روح را در حد محوی محدود در میان حد و مرزها، پیدا می‌کند. مکان‌ها، محلی هستند که در آن عناصر بامعنا وجود دارد. ساختن آن‌ها سخت است زیرا به مرور زمان و به وسیله تاریخ، خاطرات و اسطوره‌ها تولید می‌شوند. از نظر سایمون بل، شناخت اولیه منظر توسط حواس پنج‌گانه صورت می‌گیرد. وی در توصیف مناظر تجربه کرده خود، خصوصیات آسمان و زمین و جو را بیان می‌کند و با بررسی

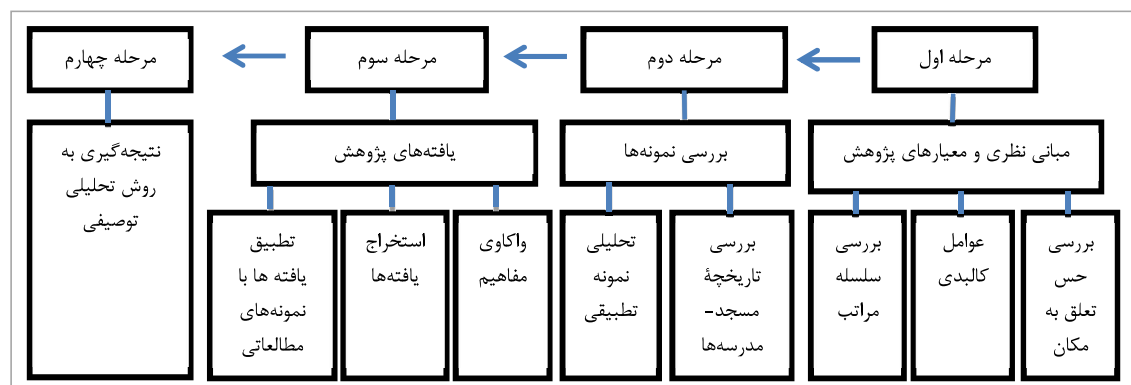
منظر طبیعت، در جست‌وجوی الگویی مشترک برای توجیه نظم و زیبایی طبیعت است.

از دیدگاه سایمون بل: «روح مکان، کیفیت خاصی از منحصربه‌فرد بودن منظر را به همراه دارد. تمام الگوهای خودسازمان‌ده و مناظر خوب طراحی شده، تجلی بی‌همتایی از تمامی فرایندهای موجود در یک زمان خاص‌اند که موجب ایجاد چنین کیفیتی می‌شوند. هنگامی که روح مکان بسیار قوی و با احساس زیبایی یا تعالی همراه باشد، روح حافظ یا ملازم مکان خوانده می‌شود.» (بل، ۱۳۸۶: ۱۲۵)

روح مکان، همواره تأثیر مستقیمی بر ایجاد حس تعلق در افراد دارد. یک مکان علاوه بر روح معمولاً دارای نوعی گردش خون است که در آن جاسازی شده است؛ نوع قابل دسترسی و کارآمد بودن. بسیاری از موارد می‌توانند برای ساختن مکان جمع‌آوری شوند، اما وقتی یک طرح «حس مکان» داشته باشد، اغلب، مجموع قطعات آن بیشتر می‌شود و افراد حس تعلق به آن مکان را کاملاً درک می‌کنند.

حس تعلق به مکان

تعلق به معنی آویخته شدن، درآویختن و دلبستگی داشتن است (معین، ۱۳۸۴: ۳۶۷). کرمونا و همکاران در رابطه با حس مکان می‌گویند: «حس مکان عموماً با حس تعلق همراه است و با حس عاطفی دلبستگی به یک مکان عجین می‌شود. مکان می‌تواند حس ریشه‌دار بودن را تقویت کند و حس هویت‌بخشی را با محل خاصی، عجین سازد. ریشه‌دار بودن غالباً با حس ناخودآگاه مکان همراه است. چنین حسی طبیعی‌ترین، بنیادی‌ترین و خودجوش‌ترین اتصال بین انسان و مکان است. مردم به حس هویت و تعلق به مکان و یا قلمروی خاص، نیاز دارند. از طریق مکان و در طول زمان، تجارب مشترک مهم و اساسی بین مردم ایجاد می‌شود. افراد نیازمندند که حس تعلق به یک موجودیت



شکل ۱. نمودار فرایند پژوهش (نگارندگان، ۱۴۰۱)

ایجاد می‌کند دیگر برای او فضا نیست و تبدیل به یک مکان می‌شود. در این صورت، مکان کلیتی می‌شود که مردم تمام فعالیت‌ها و اتفاقات را با آن می‌شناسند. مثلاً مردم وقتی به مسجدی وارد می‌شوند با مکان مسجد مواجه می‌شوند نه با اشکال مجرد، مردم، نماز و فضا، همین توانمندی مکان است که در ورای اجزا و فعالیت‌ها موجب احساس تعلق به مکان مسجد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۲).

عوامل کالبدی

از نظر نوربرگ شولتز: «حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است.» (Norberg-Schuls, 1997; به نقل از Abbasi & Abdi, 2019: 47). از نظر فریتز استیل، سبک یکی از مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان است. او عواملی چون اندازه فضا، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری را جزو عناصر کلیدی در شکل‌گیری این ادراک می‌داند: (Steele, 1981: 63). او همچنین خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهم راز و رمز، لذت، شگفتی شور، امنیت، سرزندگی، و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می‌داند. عوامل کالبدی «شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد»، «سازمان و ساختار فضایی» و «شکل متناسب فضا»، «توجه به زمینه»، «راحتی و آسایش»، «دید و منظر»، «تنوع» و «جذابیت»، «دسترسی و نفوذپذیری»، و «انعطاف‌پذیری» ارتباط مستقیمی با حس تعلق به مکان دارند. بنابراین مکان‌هایی که از این ویژگی‌های کالبدی برخوردار باشند، در ایجاد حس تعلق به مکان موفق‌تر هستند (دانش‌پور و صفارسبزواری، ۱۳۹۷: ۱۳۶). پیدایش تمامی فرم‌ها از حرکت نقطه، خط و سطح ایجاد

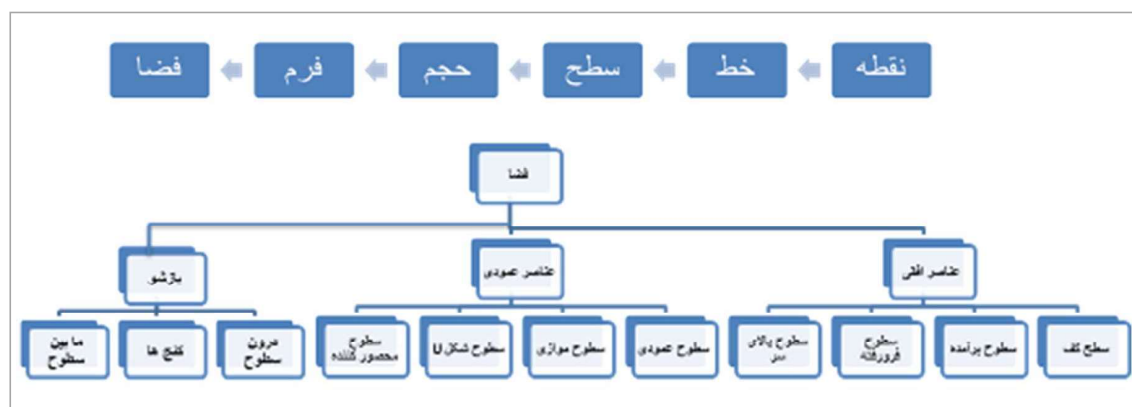
جمعی و یا یک مکان را داشته باشند؛ همچنین به یک هویت شخصی نیازمندند که از طریق جدایی مکانی، داشتن خصوصیات متفاوت و قابل تشخیص و یا حضور و ورود در یک محل خاص حاصل می‌شود. سیاست‌های طراحی می‌تواند این موضوعات را مورد تأکید قرار دهد. «(کرمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۱۸۹)

عوامل شکل‌دهنده حس تعلق به مکان

باتوجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه‌های مختلف و سطوح مختلف حس مکان، عوامل شکل‌دهنده حس مکان را می‌توان در دو گروه عوامل شناختی و کالبدی، به صورت زیر بیان کرد:

عوامل ادراکی و شناختی

معانی و مفاهیمی که پس از ادراک مکان از سوی فرد رمزگشایی می‌شوند، از عوامل ایجاد حس مکان هستند. در این صورت حس مکان تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هرگونه رابطه با مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوعات، اشخاص، اشیا و مفاهیم یک مکان، احساس تعلق پیدا می‌کند. از این رو افراد بدون حس مکان قادر به زندگی در محیطی خاص نیستند، چراکه حس مکان توانمندی فضا یا مکان در ایجاد حسی خاص نسبت به کلیت مکان است. حس در این مکان، رابطه فرد را با تمامی مفاهیم، اشخاص و سایر موضوعات موجود در آن مکان، تأمین می‌کند. در این مفهوم، حس به معنای احساس کردن مرحله قبل از ادراک نیست بلکه به معنای عاطفه یعنی مرحله پس از شناخت است. به این ترتیب، مکان‌ها در افراد مختلف حس‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند و نقش شخصیت و تجارب گذشته انسان‌ها در دریافت این حس، مؤثر است. فضایی که در فرد حس مکان و تعلق



شکل ۲. دسته‌بندی فضاها براساس فرم کالبدی (نگارندگان با اقتباس از چینگ، ۱۳۹۱)

می‌شود. کالبدها از سطوح مختلفی که به‌صورت افقی، عمودی، و بازشو هستند، شکل می‌گیرند. هر کدام از این مصادیق ذیل هر عنصر، در شکل‌گیری سلسله‌مراتب تأثیر دارند. ادراک از سطوح کالبدی در چگونگی حرکت افراد در محیط بدون آنکه راهنمایی در محیط وجود داشته باشد، مؤثر است. به‌گونه‌ای که افراد می‌توانند بر همین اساس با اولین حضور خود در محیط، به هدف برسند. درواقع انسان مرتب، در حال رمزگشایی محیط برای شناخت بهتر آن است. این، باعث می‌شود فرد بداند که باید چه رفتاری در محیط از خود بروز دهد.

مفهوم سلسله‌مراتب در معماری

سلسله‌مراتب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول معماری و شهرسازی ایرانی و به‌عنوان یکی از نموده‌های تفکر، مطرح است. همچنین به‌دلیل خصوصیات خاص سنت، ابعاد مختلفی دارد. این اصل، به مفهوم نظام‌بخشی و ترکیب فضاها و عناصر براساس برخی از خصوصیات کالبدی یا عملکردی آن‌ها است. به‌نحوی که موجب پیدایش یک سازماندهی در مکان‌یابی، نحوه استفاده و یا مشاهده فضاها می‌شود (Mahdavi, Nejad & Naghani, 2011: 51)

دو ویژگی هماهنگی به‌لحاظ کیفی، و تناسب به‌لحاظ کمّی، ازجمله ویژگی‌های مطلوب مردم ایران زمین بوده است. به همین دلیل، بناهای انسان‌ساخت نیز دارای هماهنگی/ یکپارچگی، و تناسب بوده است. همین مهم، می‌تواند مبنای درکی برای سنت معماری ایران باشد (Tabibian, 2014: 63).

سلسله‌مراتب به معنی سازماندهی و ترکیب فضاها و عناصر براساس ویژگی‌های کارکردی و

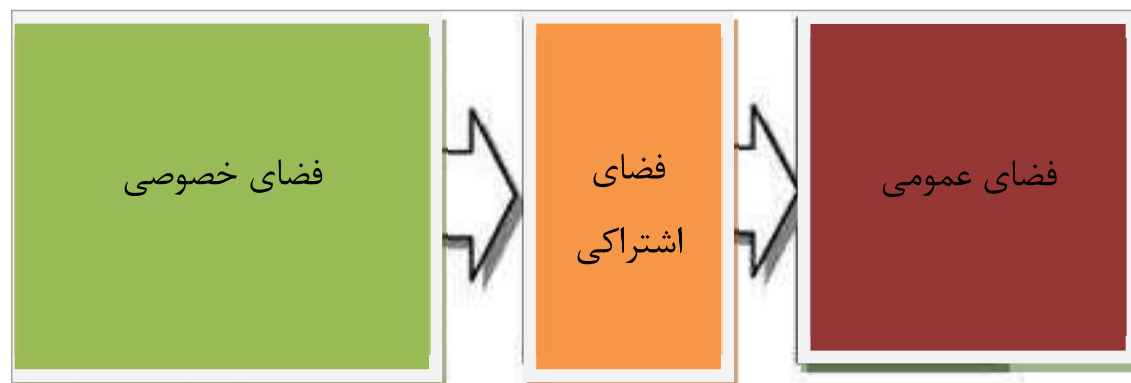
محتوایی آن‌ها است که موجب به وجود آمدن ترتیب و نظم قاعده‌مند در نحوه قرارگیری، مشاهده یا استفاده از فضاها و عناصر می‌شود (soltanzadeh, 1985:66).

نمونه‌های معماری ایران، مثال‌های بسیاری از ترکیب اجزای نظام‌یافته، به نمایش گذاشته‌اند. سلسله‌مراتب، ارتباط بین اجزای یک کل و ارتباط بین کل‌هایی را که خود، جزیی از یک کل بزرگ‌تر هستند، تعریف می‌کند. بدین ترتیب که هرگاه چند عنصر در کنار هم قرار گیرند، نظم در روابط بین آن‌ها به وجود می‌آید که براساس آن‌ها، عناصر با ارزش‌های متفاوت، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (Grotter, 2007؛ به نقل از ذوالفقارزاده و زرکش، ۱۳۹۵: ۲). این اصل از اصول حاکم بر جهان هستی و عالم وجود است و در هنرهای اصیل نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است (صاحب‌محمدیان، ۱۳۸۶: ۵۹). معماری و شهرسازی به‌ویژه در الگوهای سنتی خود نیز از این اصل، به وجوه مختلفی پیروی کرده است (Taghvaei, 2007: 43).

سلسله‌مراتب در مسجد - مدرسه‌ها

انسان به‌دلیل تعهد و پابندی به اعتقادات خود، معماری پیرامونش را به شکلی سامان می‌دهد که از سلسله‌مراتب خاصی پیروی کند و بتواند انعکاس‌دهنده تفکرات او باشد. در این میان مساجد نیز به‌دلیل حس معنوی و روحانی‌ای که دارند، از سلسله‌مراتب پیچیده‌تری برخوردارند (الهی و ادیبان، ۱۳۹۸: ۶۴).

حسینی علمداری و همکاران نوعی گونه‌بندی که خود شامل سه گونه است، برای مسجد - مدرسه‌های ایران، پیشنهاد می‌دهند.



شکل ۳. سلسله‌مراتب در معماری ایرانی (نگارندگان، ۱۴۰۱)

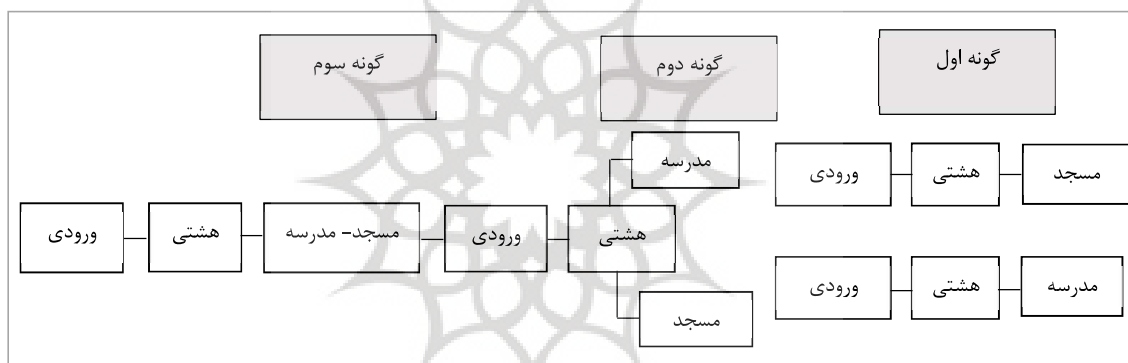
حرکت و سکون در سلسله مراتب

معماری اسلامی، تجلی گاه عرفانی حرکت و سکون است. معماران و هنرمندان ایرانی، در متجلی ساختن معنویت در ساختاری مادی و همچنین گذار انسان از عالم فانی و نیل به ملکوت، از وجوه مختلف حرکت و سکون بهره گرفته‌اند تا تقدس را در کالبد اثرشان جاودان سازند. حرکت، ترکیبی از زمان و مکان و لازمه درک هر فضایی است. وجوه معماری ایران و درک شگفتی‌های آن مدیون حرکت است که ممکن است به اشکال گوناگون ظاهر شوند حال آنکه همه در ذات، یک هدف را دنبال می‌کنند. گلزر هایدن این هدف را چنین بیان می‌کند: «در اسلام هیچ حرکتی از بُعد الهی رها نیست و هیچ حوزه‌ای نمی‌تواند از ارتباط با مفاهیم قدسی رها شود.»

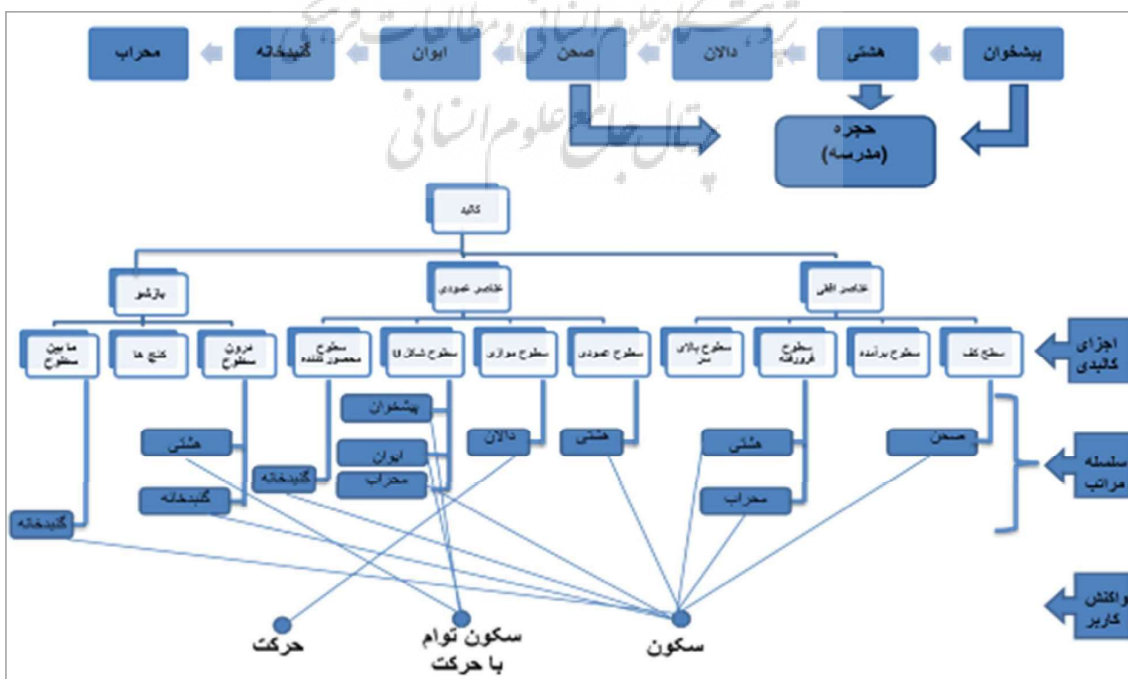
گونه اول: مسجد و مدرسه در کنار هم، هریک عملکردی مستقل دارند. در این گونه، مسجد و مدرسه جدا از هم عمل می‌کنند و هریک، ورودی و هشتی جداگانه مختص به خود را دارند. معمولاً ارتباط بین دو فضا از طریق یک ایوان صورت می‌پذیرد.

گونه دوم: مسجد و مدرسه در هم ادغام شده‌اند. در این گونه، مسجد و مدرسه در یک کالبد قرار دارند و ورود به آن از طریق یک ورودی و هشتی مشترک، امکان‌پذیر است. مسجد-مدرسه‌های چهارباغ، امام، و حکیم، از این دست هستند.

گونه سوم: مسجد و مدرسه در کنار هم کاربری‌های مجزا دارند اما ورودی آن‌ها مشترک می‌باشد.



شکل ۴. گونه‌بندی مسجد-مدرسه‌های ایران (برگرفته از حسینی علمداری، ۱۳۹۶)



شکل ۵. سلسله‌مراتب در مسجد-مدرسه‌های ایران و ارتباط سطوح کالبدی با سلسله‌مراتب و فعالیت آن (نگارندگان، ۱۴۰۱)



(حسن پور کهن مویی، ۱۳۹۲: ۲۵۲۷) حرکت خواه از طریق پیمایش فضا، خواه بصری و خواه به صورت خیالی و عرفانی باشد، در جهت تسهیل و تشدید عروج انسان از نازل ترین مرتبه هستی به عالی ترین مراتب آن می باشد. همچنین، مفهوم حرکت در کنار سکون معنا می یابد. سکونی که بسته به مقصود معمار ایرانی و برحسب جهان بینی اسلامی اش همچون حرکت در قالب های متفاوت، هویدا می شود. اول، سکونی که قبل از فضاهای اصلی رخ می دهد و ناظر را به مکث به منظور درک کامل تقدس فضا و اهمیت آن فرا می خواند و موجبات ورود با خضوع و طمأنینه می گردد. دوم، سکون و آرامشی که در نهایت حرکت، در مکانی مشخص در انتظار جسم است؛ آنجا که حرکت متوقف می شود و زمان تداوم می یابد (همان).

در معماری نیز برای تداعی مفهوم گذار از دنیای خاکی به ماورا، گاه به زبان تذکار (ذکر) و گاه در یک فرایند ادراکی، شخص را به گذار از یک مرحله به مرحله ای دیگر، فرا خوانده اند. سلسله مراتب می تواند در درک افراد و ایجاد یک مفهوم در آنان تأثیر زیادی داشته باشد. ضمن اینکه از این اصل می توان برای نمایش سطح بالاتری از یک مفهوم در رویارویی با دنیای مادی استفاده کرد (نصر، ۱۳۸۰: ۲۱۰).

سلسله مراتب در مسجد - مدرسه ها، متشکل از سکون و حرکت هایی است که سبب تعمق بخشی به بنا می شود و فرد را به تأمل و امی دارد. در این میان، او همواره در پی کشف راز و رمز، از سکون تا حرکت اتفاق افتاده در مسیر خود است.

مطالعات و بررسی ها

مسجد - مدرسه های بررسی شده، از دوره تاریخی صفویه در شهر اصفهان هستند. اصفهان یکی از مراکز علمی مهم ایران محسوب می گردد. در این شهر، بسیاری از بناهای آموزشی ممتاز و متعلق به ادوار مختلف تاریخی، قرار گرفته است. به گونه ای که دانشمندان و سیاحان بسیاری در خصوص منزلت آن، از قرون اولیه هجری تا زمان صفویه، سخن گفته اند. برای مثال یاقوت حموی می گوید: «به آن تعداد که در این شهر دانشمندان و پیشوایان علوم و فنون پرورش یافته، در کمتر شهری از بلاد مسلمین این گونه بوده است.» (حموی، ۱۹۷۹: ۳۰۹) شاردن سیاح فرانسوی نیز، در خصوص جایگاه فرهنگی این شهر در زمان صفویه چنین می گوید: «اصفهان دارالعلم شرق یعنی مهد دانش

در سراسر مشرق زمین به شمار می رود و از آنجا، علوم به کلیه نقاط خاور، به ویژه هندوستان منتشر می گردد.» (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۲۱)

از لحاظ مقوله معماری نیز، این شهر اهمیتی به سزا دارد؛ قلب معماری ایران را در دوران بعد از اسلام، تشکیل می دهد. این شهر در دو دوره مهم بعد از اسلام، سلجوقی و صفوی، مرکز ایران بوده است از این رو، بیشترین بناهای بارزش این دو دوره را در خود دارد. از آنجا که بعد از اسلام، حکومت ایران در دوره های سلجوقی و صفوی بیشترین قدرت، وسعت، و تمرکز خود را داشته است، می توان به این نتیجه دست یافت که شهر اصفهان، دارنده برجسته ترین نمونه های معماری ایران بعد از اسلام است. بدین ترتیب معماری اصفهان، واجد نمایان ترین خصوصیات معماری این دوره ایران می باشد (میرمیران، ۱۳۷۷: ۹۴).

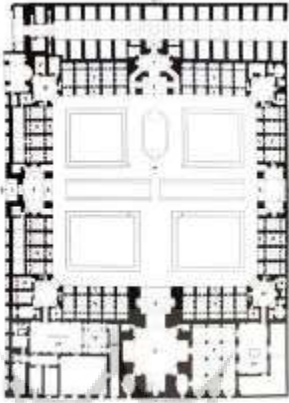
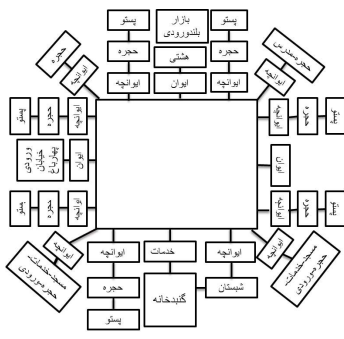
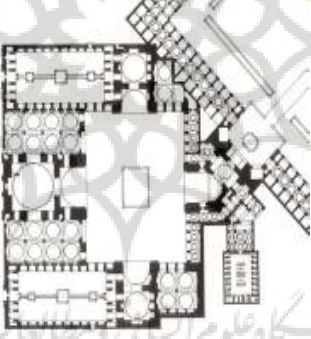
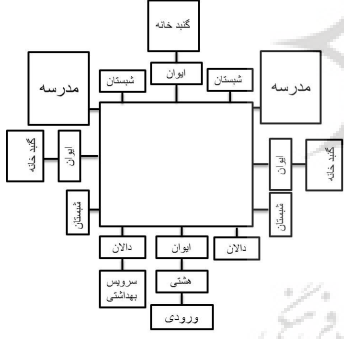
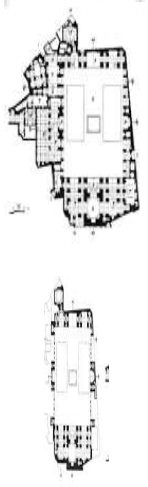
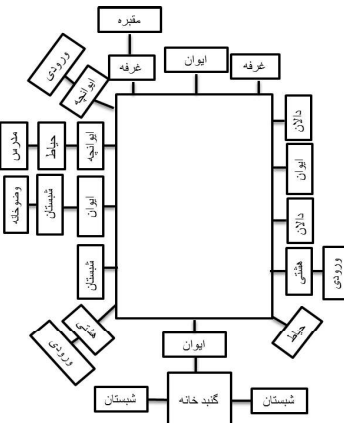
به همین منظور، سه مسجد - مدرسه از این دوره از شهر اصفهان انتخاب شده است تا بتوان تحلیل درستی از سیر سلسله مراتب و ارتباط آن با حس تعلق به مکان در این بناها، به دست آورد.

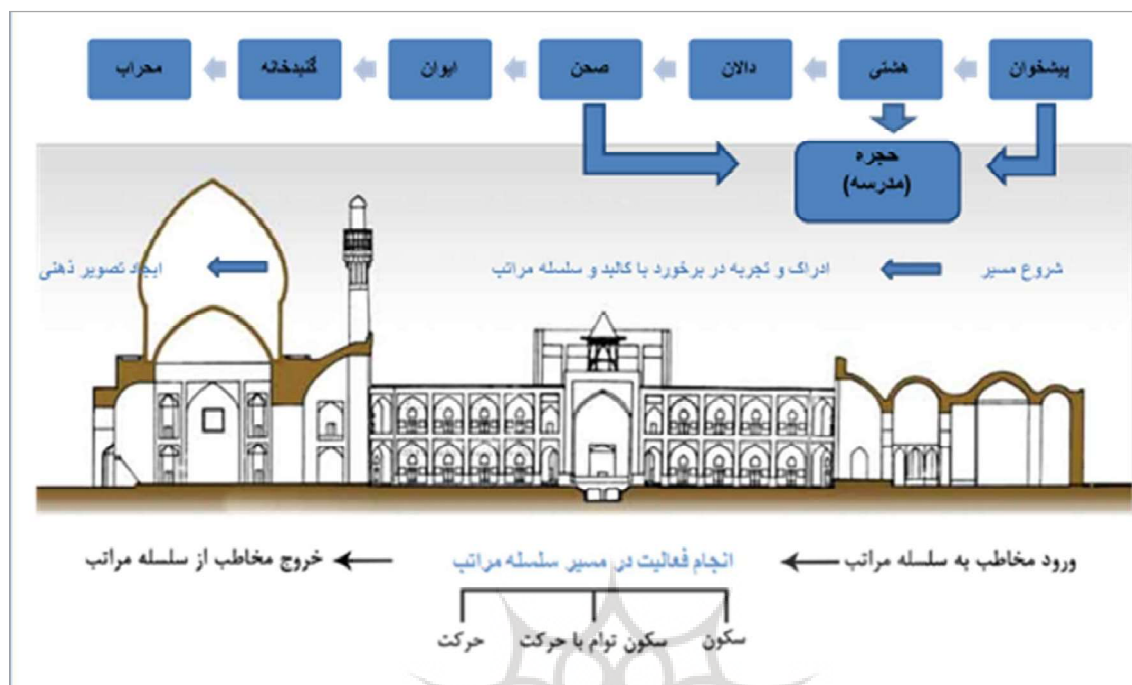
واکاوی نقش سلسله مراتب در حس تعلق به مکان در بناهای مورد مطالعه

رعایت سلسله مراتب در ساخت بناها، جزو اصولی بوده که انتظام فضایی در بناهای مختلف را از جمله مساجد در پی داشته است. مسئله رعایت اصول و توالی سلسله مراتب که طی سال ها در مساجد مورد استفاده بوده است؛ تأثیر مستقیمی بر احساسات افراد و فعالیت های او ضمن بازدید از مساجد داشته است؛ چرا که فعالیت شکل گرفته ارتباط مستقیمی با انسان و ذهنیات او نسبت به مسجد دارد و منجر به ایجاد حس تعلق به مکان می شود (نژاد ابراهیمی و شیخ الحکمایی، ۱۴۰۰: ۵۹).

تحلیل نمونه تطبیقی پژوهش

در مدل مفهومی تحقیق، ارتباط ویژگی معنایی سلسله مراتب با حیطه ادراکی - معنایی حس تعلق این است که رعایت سلسله مراتب در معماری منجر به معرفی بهتر و منسجم تر فضاهای اطراف می شوند. یعنی ایجاد نظم در جهت دسترسی به فضاهای مختلف، بر کیفیت ادراکی فضای معماری یعنی همان حیطه ادراکی - معنایی در حس تعلق به مکان، بر روی این حس تأثیر می گذارد. ارتباط ویژگی کارکردی - ارتباطی ترتیب فضاها با حیطه عملکردی - رفتاری و حیطه اجتماعی

مسجد-مدرسه	پیشینه و عکس	پلان	دیگرام
چهارباغ	مسجد- مدرسه چهارباغ، حدفاصل خیابان چهارباغ و کاروان‌سرای عباسی قرار دارد. «در فاصله سال‌های ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ ه.ق. به دستور شاه سلطان حسین و با حمایت و نظارت مستقیم وی، برای تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی بنا شده است.» (خواجہ احمد عطاری و همکاران، ۱۳۹۷) 		
کاشی	این بنا شاهکاری جاویدان از معماری، کاشی‌کاری و نجاری در قرن یازدهم هجری است. مسجد شاه در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۱۰۷ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این مسجد همراه با میدان نقش جهان، به‌عنوان یکی از میراث‌های جهانی در یونسکو ثبت شده است. 		
کلیس	ساخت این بنا از سال ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۳، طول کشیده است. مساحتی حدود هشت هزار متر مربع دارد. مقبره محمدابراهیم کلباسی در این مسجد قرار دارد. در این مسجد- مدرسه، مدرس یا محل درس دادن در شبستان‌ها قرار دارد. 		

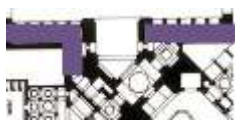
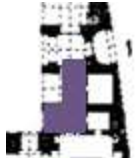
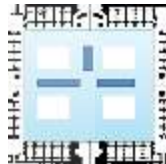
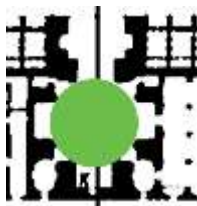
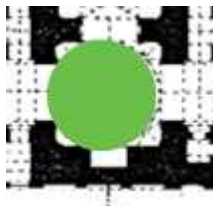


شکل ۶. مواجهه مخاطب با سلسله‌مراتب در مسجد- مدرسه (نگارندگان، ۱۴۰۱)

جدول ۲. تحلیل سلسله‌مراتب همراه با فعالیت افراد در فضا و ایجاد تصویر ذهنی در مخاطب

سلسله‌مراتب	مسجد- مدرسه چهارباغ	مسجد- مدرسه امام	مسجد- مدرسه حکیم
پیش‌خوان (مرتبۀ اول)			
تحلیل	سکون همراه با حرکت: عقب‌نشینی U شکل، فرد را در ابتدا ساکن و سپس به حرکت ترغیب می‌کند. به دلیل شاهکار کاشی‌کاری سردر ورودی مسجد است.	سکون همراه با حرکت: عقب‌نشینی U شکل، فرد را در ابتدا ساکن و سپس به حرکت ترغیب می‌کند. مکثی که پیش از حد معمول است، به دلیل شاهکار کاشی‌کاری سردر ورودی مسجد است.	سکون همراه با حرکت: عقب‌نشینی U شکل، فرد را در ابتدا ساکن و سپس به حرکت ترغیب می‌کند. وجود کتیبه‌های بلند در دو طرف ورودی و غنای سطوح عمودی و همچنین سکوها دو طرف آن، مکث را تشدید می‌کند. در انتها، گشودگی پایانی، فرد را به داخل فرا می‌خواند.
هشتی (مرتبۀ دوم)			
تحلیل	سکون و حرکت: به دلیل عرض کمتر نسبت به طول، مکث کوتاه است. اما به دلیل تعدد خروجی، این مکث ادامه پیدا می‌کند. در نهایت، به دلیل بزرگی دهانه ایوان نسبت به دیگر دهانه‌ها، به حرکت ختم می‌شود.	سکون و حرکت: به دلیل فرم آن سکون کوتاه است. همچنین، پهنای دهانه روبه‌رو و زاویه پیش‌رو حرکتی مبهم را ایجاد می‌کند.	سکون و حرکت: به دلیل دوراهی در ابتدا، سکون است. پس از آن، به دلیل کشیدگی حرکت القا می‌شود.

ادامه جدول ۲. تحلیل سلسله‌مراتب همراه با فعالیت افراد در فضا و ایجاد تصویر ذهنی در مخاطب

سلسله‌مراتب	مسجد - مدرسه چهارباغ	مسجد - مدرسه امام	مسجد - مدرسه حکیم
دالان (مرتبه سوم)			
تحلیل	حرکت و سکون: سطوح موازی راهرو، حرکت را ایجاد و فرد را از تاریکی هشتی به روشنایی صحن دعوت می‌کند. اما شکستگی دالان برای لحظه‌ای پدیدآورنده سکون است.	سکون و حرکت: به دلیل فرم کالبدی، در ابتدا سکون کامل سپس حرکت القا می‌شود.	سکون و حرکت: به دلیل فرم کالبدی، در ابتدا سکون کامل سپس حرکت القا می‌شود.
صحن (مرتبه چهارم)			
تحلیل	سکون و حرکت: به دلیل وجود چهار باغ در چهار جهت صحن، ابتدا فرد به سکون خوانده می‌شود. اما وجود حوض‌های کشیده او را به حرکت دعوت می‌کند.	سکون: احاطه شدن سطح کف به وسیله عناصر صلب، حس سکون را ایجاد می‌کند. از این رو، فرد مجبور به ایستادن و تأمل در فضا می‌شود.	سکون: احاطه شدن سطح کف به وسیله عناصر صلب، حس سکون را ایجاد می‌کند. از این رو، فرد مجبور به ایستادن و تأمل در فضا می‌شود.
ایوان (مرتبه پنجم)			
تحلیل	حرکت: ایوان به دلیل فرم و مقیاسی که دارد، باعث ایجاد حرکت در فرد می‌شود.	سکون و حرکت: ایوان به دلیل فرم U شکل، فرد را به سکون می‌خواند. اما بازشوی میانی او را به حرکت دعوت می‌کند.	سکون و حرکت: ایوان به دلیل فرم U شکل، فرد را به سکون می‌خواند. اما بازشوی میانی او را به حرکت دعوت می‌کند.
گنبدخانه (مرتبه ششم)			
تحلیل	سکون همراه با حرکت: ترکیب گنبدخانه با شبستان به دلیل سطح بالاسری گنبد، فرد را به سکون فرا می‌خواند و هم‌جواری با شبستان، او را به حرکت دعوت می‌کند.	سکون همراه با حرکت: ترکیب گنبدخانه با شبستان به دلیل سطح بالاسری گنبد، فرد را به سکون فرا می‌خواند و هم‌جواری با شبستان، او را به حرکت دعوت می‌کند.	سکون: ترکیب گنبدخانه به دلیل سطح بالاسری گنبد، فرد را به سکون دعوت می‌کند.

ادامه جدول ۲. تحلیل سلسله‌مراتب همراه با فعالیت افراد در فضا و ایجاد تصویر ذهنی در مخاطب

سلسله‌مراتب	مسجد- مدرسه چهارباغ	مسجد- مدرسه امام	مسجد- مدرسه حکیم
محراب (مرتبه هفتم)			
تحلیل	سکون: فرم لاشکل محراب و احاطه شدن آن از سه طرف، به فرد حس سکون را القا می‌کند و فرم کف، این حس را تقویت می‌نماید.	سکون: فرم لاشکل محراب و احاطه شدن آن از سه طرف، به فرد حس سکون را القا می‌کند و فرم کف، این حس را تقویت می‌نماید.	سکون: فرم لاشکل محراب و احاطه شدن آن از سه طرف، به فرد حس سکون را القا می‌کند و فرم کف، این حس را تقویت می‌نماید.

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

دادن به فضاهای اطراف کمک می‌کنند، و هم، امکان تعامل و ارتباط را فراهم می‌آورند. یعنی با ایجاد سازماندهی فضایی بین عرصه‌های مختلف و فراهم آوردن امکان تعاملات با پیرامون یعنی همان حیطة عملکردی- رفتاری و حیطة اجتماعی در حس تعلقی به مکان، بر روی این حس تأثیر می‌گذارند. همچنین ارتباط ویژگی شکلی- کالبدی سلسله‌مراتب با حیطة کالبدی حس تعلقی به مکان این است که سلسله‌مراتب ضمن دسته‌بندی فضاها با ایجاد تقدم و تأخر منجر به تعامل و تبادل متداوم آن‌ها می‌گردند. یعنی همان استفاده از عناصر کالبدی که از طریق هم‌سازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان، حیطة کالبدی در حس تعلقی به مکان، در ایجاد و افزایش این حس مؤثر هستند. در راستای عملکرد سلسله‌مراتب بر ایجاد حس تعلقی در مسجد- مدرسه‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مرتبه اول (پیش‌خوان): پیش‌خوان، آغاز سلسله‌مراتب در مسجد- مدرسه‌ها می‌باشد. پیش‌خوان در مسجد- مدرسه چهارباغ، سکون همراه با حرکت را القا می‌کند. عقب‌نشینی لاشکل، فرد را ابتدا به سکون و به تأمل وادار می‌دارد و در او تصویر ذهنی پدید می‌آورد. سپس، گشودگی میانی او را به حرکت ترغیب می‌کند. در پیش‌خوان مسجد- مدرسه امام به دلیل غنای بیشتر سطوح عمودی و سطوح فرورفته افقی، سکون بیشتر، و در نهایت، تأمل و تصویر ذهنی بیشتری به وجود می‌آورد. در مسجد- مدرسه حکیم، به دلیل وجود کتیبه‌های بلند در دو طرف ورودی و غنای سطوح عمودی و همچنین سکوهای دو طرف آن، مکث تشدید می‌شود. در انتها، گشودگی پایانی فرد را به داخل فرا می‌خواند.

مرتبه دوم (هشتی): در مسجد- مدرسه چهارباغ، در هشتی به دلیل عرض کمتر نسبت به طول یعنی نسبت سطوح فرورفته افقی به سطوح عمودی و همچنین، بزرگی

حس تعلقی این است که سلسله‌مراتب، هم به واسطه تعیین الگوی ارتباط و نظم حاکم بر روابط به فرایند شکل دادن به فضاهای اطراف کمک می‌کنند و هم، امکان تعامل و ارتباط را فراهم می‌آورند. یعنی با ایجاد سازماندهی فضایی بین عرصه‌های مختلف و فراهم آوردن امکان تعاملات با پیرامون یعنی حیطة عملکردی- رفتاری و حیطة اجتماعی در حس تعلقی به مکان، بر روی این حس تأثیر می‌گذارند. همچنین ارتباط ویژگی شکلی- کالبدی و ترتیب فضاها با حیطة کالبدی حس تعلقی به مکان این است که سلسله‌مراتب ضمن تفکیک دو فضا، منجر به تعامل و تبادل متداوم آن‌ها می‌گردند. یعنی استفاده از عناصر کالبدی که از طریق هم‌سازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان یعنی همان حیطة کالبدی در حس تعلقی به مکان، که در ایجاد و افزایش این حس مؤثر هستند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های تحقیق با استناد به تحلیل‌های صورت‌گرفته در مراتب مواجهه فرد با کالبد بنا، در سیر سلسله‌مراتب و حس تعلقی به مکان در سه مسجد- مدرسه مورد مطالعه بیان می‌شود. در انتها هم، نتیجه‌گیری انجام می‌پذیرد.

ارتباط ویژگی معنایی سلسله‌مراتب با حیطة ادراکی- معنایی حس تعلقی این است که سلسله‌مراتب منجر به معرفی بهتر و منسجم‌تر فضاهای اطراف می‌شوند. یعنی با ایجاد تصاویر ذهنی و ادراکی درونی بر کیفیت ادراکی فضای معماری یعنی همان حیطة ادراکی- معنایی در حس تعلقی به مکان، بر روی این حس تأثیر می‌گذارند. ارتباط ویژگی کارکردی- ارتباطی سلسله‌مراتب با حیطة عملکردی- رفتاری و حیطة اجتماعی حس تعلقی این است که عملکرد سلسله‌مراتب هم به واسطه تعیین الگوی ارتباط و نظم حاکم بر روابط در فرایند شکل



ایجاد می‌کند. طوری که فرد ترغیب می‌شود در فضا بایستد و در آن تأمل کند.

مرتبه پنجم (ایوان): ایوان به دلیل فرم L شکل، فرد را به سکون فرا می‌خواند اما بازشوی میانی، او را به حرکت دعوت می‌کند. ایوان‌ها در مسجد- مدرسه‌های چهارباغ و حکیم به دلیل جزئیات، و شکست‌های سطوح عمودی، این سکون را تاحدودی طولانی می‌کند. اما در مسجد- مدرسه امام به دلیل غنای شاهکارهای جاویدان کاشی کاری و نجاری درب‌ها، افراد سکون بیشتری را تجربه می‌کنند.

مرتبه ششم (گنبدخانه): در مسجد- مدرسه‌های امام و چهارباغ ترکیب گنبدخانه با شبستان به دلیل سطح بالاسری گنبد، فرد را به سکون فرا می‌خواند و هم‌جواری با شبستان، او را به حرکت دعوت می‌کند. اما در مسجد- مدرسه حکیم ترکیب گنبدخانه به دلیل سطح بالاسری گنبد، فرد را به سکون دعوت می‌کند.

مرتبه هفتم (محراب): فرم L شکل محراب در سه بنای مورد مطالعه و احاطه شدن آن از سه طرف، به فرد حس سکون القا می‌کند و فرم کف، این حس را تقویت می‌نماید. مطالب جدول ۳ که با نمودار شکل ۳ هم‌راستا هستند، وضعیت سطوح هریک از عناصر سلسله‌مراتبی را در سه مسجد-مدرسه مورد مطالعه، بررسی و تحلیل می‌کنند.

دهانه ایوان، مکث کوتاه است. به دلیل تعدد خروجی، این مکث ادامه پیدا می‌کند. اما در نهایت، به دلیل بزرگی دهانه ایوان نسبت به دیگر دهانه‌ها، مکث به حرکت ختم می‌شود. در مسجد-مدرسه امام، هشتی به دلیل فرمی که دارد، سکونی کوتاه را به وجود می‌آورد. پهنای دهانه روبه‌رو و زاویه پیش‌رو، حرکتی مبهم را ایجاد می‌کند. این ابهام در طول روز به دلیل نوری که از انتهای مسیر منتهی به صحن، وارد می‌شود، دعوت‌کننده و امیدبخش است. در مسجد- مدرسه حکیم، دو راهی ابتدا سکون را، پس از آن کشیدگی دوراهی، حرکت را القا می‌کند.

مرتبه سوم (دالان): در مسجد- مدرسه چهارباغ سطوح موازی دو سطح عمودی دالان، فرد را به حرکت وا می‌دارد. او را از تاریکی هشتی به روشنایی صحن دعوت می‌کند. اما شکستگی دالان برای لحظه‌ای سکون ایجاد می‌کند. در مسجد- مدرسه امام و حکیم، فرم کالبدی ابتدا فرد را به سکون کامل سپس به حرکت فرا می‌خواند.

مرتبه چهارم (صحن): در صحن مسجد- مدرسه چهارباغ به دلیل وجود چهار باغ در چهار جهت صحن، ابتدا فرد به سکون خوانده می‌شود. اما حوض‌های کشیده او را به حرکت دعوت می‌کنند. در صحن مسجد- مدرسه‌های امام و حکیم، احاطه شدن سطح کف با عناصر صلب، در فرد حس سکون را

جدول ۳. بررسی و تحلیل وضعیت سطوح هر عنصر از مراتب سه مسجد- مدرسه مورد مطالعه

مسجد - مدرسه	چهارباغ	امام	حکیم
سطوح			
سطوح افقی	سطوح افقی این بنا شامل هشتی، صحن و محراب می‌باشد. همچنین، سطوح بالاسری در پیش‌خوان، ایوان و گنبد نیز وجود دارد.	سطوح افقی این بنا شامل هشتی، صحن و محراب می‌باشد. همچنین، سطوح بالاسری در پیش‌خوان، ایوان و گنبد نیز وجود دارد.	سطوح افقی این بنا شامل هشتی، صحن و محراب می‌باشد. همچنین، سطوح بالاسری در پیش‌خوان، ایوان و گنبد نیز وجود دارد.
سطوح عمودی	سطوح عمودی L شکل در پیش‌خوان، ایوان و محراب دیده می‌شود. سطوح محصورکننده‌ای نیز در صحن و گنبدخانه وجود دارد.	سطوح عمودی L شکل در پیش‌خوان، ایوان و محراب دیده می‌شود. سطوح محصورکننده‌ای نیز در صحن و گنبدخانه و شبستان‌ها وجود دارد.	سطوح عمودی L شکل در پیش‌خوان، ایوان و محراب دیده می‌شود. سطوح محصورکننده‌ای نیز در صحن و گنبدخانه وجود دارد.
سطوح بازشو	سطوح بازشوی مشبک به‌طور گسترده در زیر گنبد، بالای محراب، شبستان، و مدرسه به چشم می‌خورد.	سطوح بازشو در هشتی، دالان، زیر گنبد، و در شبستان، در دو ردیف قابل مشاهده است.	نورگیری مستقیم و غیرمستقیم شبستان در جای‌جای مسجد، به چشم می‌خورد. همچنین، بازشوی‌های مشبک بر دیوارهای هشتی و حوض‌خانه، و زیر طاق‌ها در حوض‌خانه قابل مشاهده است.



نتیجه‌گیری

در معماری دوره اسلامی ایران، بناهای عمومی همانند مسجد- مدرسه‌ها مکان‌هایی برای تعاملات افراد با سلیقه‌ها و تفکرات مختلف بودند. این بناها با عملکردها و فضاهای متنوع خود، و با داشتن اصل سلسله‌مراتب که نقش تعیین‌کننده‌ای در سازمان‌دهی عملکردهای متنوع این مکان‌ها و نیز پیوند بیشتر فرد با آن را داشتند، تشکیل یک کل واحد را می‌دادند، و تمایل فرد را به ماندن در آن مکان، میسر می‌ساختند. در بعد تحلیل ساختار کلی سه بنا، هر سه بنا علاوه بر قرارگیری در کنار دیگر مجموعه‌های شهری، دارای ترتیب و توالی در ورودی مجموعه و دیگر فضاهای ارتباطی می‌باشند. این موضوع، نشان‌دهنده توجه صفویان به الگوی رعایت مراتب فضایی است که بعدها به‌عنوان الگویی شاخص در معماری ایرانی نیز شناخته شد. وجود سردر، هشتی، صحن، ایوان، و حیاط، به‌عنوان عناصری که در کنار هم شکل‌دهنده بطن معماری هر ۳ فضا هستند، و حجره‌هایی در اطراف که گاه برای رسیدن به آن‌ها باید از ایوان‌ها و دالان‌هایی که اطراف حیاط شکل گرفته‌اند، عبور کرد، خود گواه توجه به کالبد و به‌دنبال آن، مراتب فضایی است. همچنین با بررسی بیشتر این الگو و واکنش افراد در مواجهه با فضاها و تأثیر حرکت و سکون کالبد بنا بر استفاده‌کننده، درمی‌یابیم که این اصل، مستقیماً بر تجربه، خاطره‌انگیزی و در نهایت شکل‌گیری حس تعلق نسبت به بنا تأثیر می‌گذارد. ترتیب، توالی و نظم درونی که شاکله کالبد را تشکیل می‌دهند، سبب شده‌اند تا در راستای تعامل با ذهنیت انسان باشد. ذهن انسان، به‌دنبال نظم و ترتیب در پدیده‌ها برای هم‌سویی و تطابق آن با روح و روان خود است. از این‌رو، در کالبد و ذهن این نظم را در می‌یابد و حس تعلق به مکان در وی ایجاد می‌شود. نقدی که می‌توان بر فضا و مکان امروز برخلاف معماری گذشته وارد کرد، این است که مکان، تشکیل‌شده از فضاهایی در کنار یکدیگر است که متأسفانه پاسخ‌گوی نیاز انسان امروز نیست و انسان، با قرار گرفتن در این فضا، هیچ‌گونه تعلق خاطری نسبت به آن ندارد. نتایج حاصل از بررسی سلسله‌مراتب عناصر در معماری مسجد- مدرسه‌ها، بیشتر شامل هشتی، ایوان، مهتابی، و صحن، به‌عنوان فضایی بینابین برای افزایش حس تعلق به مکان در مسجد- مدرسه‌های مورد مطالعه است. این نتایج، قابل‌تعمیم است از این نظر که فضاها در مسجد- مدرسه‌ها با توجه به عملکردهای متنوع آن‌ها آن‌ها عبارتند از: ورودی، هشتی، صحن، شبستان، گنبدخانه، مدرس، حجره، ایوان، نمازخانه، کتابخانه، وضوخانه، و همچنین در برخی از آن‌ها مهتابی، حمام، آب‌انبار و ... به فراخور اقلیم، جدا از وجود گونه‌های متفاوت در نحوه طراحی، وارد شدن و استفاده از مسجد- مدرسه‌ها در دوره صفویه متفاوت است. این مکان‌ها به‌لحاظ متغیرهای مستقل واجد شرایط یکسانی هستند. همگی حداقل سه فضای اصلی با ترتیب و توالی دارند که منجر به اصل سلسله‌مراتب می‌شوند. این فضاها، جز جدایی‌ناپذیر آن‌ها به حساب می‌آیند. یعنی هشتی، صحن، و ایوان دارند که در این پژوهش، مورد بررسی قرار گرفتند. سلسله‌مراتب و سازمان‌دهی فضاها به‌دلیل ایجاد پیوستگی، اتصال و ارتباط میان فضاها، در مجموعه‌هایی همچون مسجد- مدرسه‌ها که عملکردها و فعالیت‌های تلفیقی دارند، منجر به درگیر کردن افراد با فعالیت‌های موجود در این بناها می‌شوند. وجود سلسله‌مراتب در معماری سنتی ایران می‌تواند منجر به خلق فضای جدیدی در شهرهای امروزی گردد. چنین فضاهایی، موجب افزایش تعاملات اجتماعی به‌منظور پدید آمدن روحیه مشارکت شهروندی، و ایجاد حس تعلق به مکان می‌شود. درواقع باید گفت سلسله‌مراتب با ویژگی‌های کالبدی، ارتباطی، و معنایی خود می‌تواند پاسخ‌گوی فضاهایی برای برقراری کنش‌های متقابل انسان‌ها با یکدیگر و ایجاد حیات مدنی باشد. ویژگی سلسله‌مراتب این است که تعاملات اجتماعی، ارتقای کیفیت، و تعامل در فضا را برای ایجاد حس تعلق به مکان در افراد، تأمین می‌کند. در نتیجه، با این شیوه می‌توان افراد را به برقراری ارتباطات اجتماعی متمایل کرد. ضمن اینکه، حس تعلق به مکان هم در افراد بیشتر می‌شود.

فهرست منابع

- اسمعیلی، بیتا و حسینی، اکرم (۱۳۹۹). تحلیل پیکره‌بندی مسجد- مدرسه‌های ایران در دوره صفویه و قاجار. نشریه علمی معماری/ اقلیم گرم و خشک، سال هشتم، ش (۱۲): ۲۴۴-۲۲۲.

- الهی، سپیده و ادیبان، محمد (۱۳۹۸). بررسی سلسله‌مراتب ورود به مساجد. پژوهش‌های مرمت و مطالعات معماری ایرانی/اسلامی، سال دوم، ش (۲): ۹-۲۶.
- بل، سایمون (۱۳۸۶). **منظر: الگو، ادراک و فرایند**. ترجمه بهناز امین‌زاده، تهران: دانشگاه تهران.
- بهزادپور، محمد؛ رضاخانی، ژیللا و آزاد، مهدی (۱۳۹۹). تبیین چگونگی ایجاد حس مکان و روح مکان در مساجد تاریخی ایران. پژوهش در مهندسی عمران و معماری/ایران، دوره ۵، ش (۱۷): ۱-۲۲.
- ترکمن، ثمین و سهیلی، جمال‌الدین (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر مفهوم بینابینیت در ارتقاء حس تعلق به مکان در مسجد-مدرسه‌های دوره قاجاریه (نمونه موردی: مسجد-مدرسه صالحیه شهر قزوین، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و سوم، ش (۲): ۲۳۱-۲۱۹.
- حسن‌پور کهنمویی، فاطمه (۱۳۹۲). **پارادوکس حرکت و سکون در معماری مسجد کبود**. دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز.
- حبیبی، مهدیه (۱۴۰۲). حس تعلق به مکان چیست. شهر معمار (نشریه آنلاین)، بازیابی در ۱ مرداد ۱۴۰۱، از: <https://archacity.com/حس-تعلق-به-مکان-چیست؟>
- حسینی علمداری، آرش؛ موسوی، سیداحسان؛ کرامتی شیخ‌الاسلامی، حمید و سعادت‌مند، مریم (۱۳۹۶). گونه‌شناسی مسجد-مدرسه‌های ایران، براساس شیوه دسترسی. باغ نظر، سال چهاردهم، ش (۵۳): ۶۸-۵۷.
- حیاتی، حامد و بهداروند، مهسا (۱۴۰۰). مقایسه تطبیقی چگونگی ارتباط میان فضای آموزشی و نیایشی در مسجد-مدرسه‌های دوره تیموری و صفوی. نشریه علمی فناوری/آموزش، جلد ۱۵، ش (۳): ۶۱۰-۵۹۱.
- حیاتی، حامد و مرتضوی کیا، بتول (۱۴۰۰). تبیین مؤلفه‌های حس مکان در مساجد تاریخی دزفول. فصلنامه علمی مرمت و معماری/ایران، سال یازدهم، ش (۲۶): ۹۴-۷۹.
- خواجه احمدعطاری، علیرضا؛ آقداوودی، محی‌الدین و تقوی‌نژاد، بهاره (۱۳۹۷). تطبیق و تحلیل ساختار معماری و تزیینات دو مسجد-مدرسه چهارباغ و علیقلی آقا. پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال هشتم، ش (۱): ۳۶-۱۷.
- دانش‌پور، عبدالهادی و صفار سبزواری، فاطمه (۱۳۹۷). تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزوار. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال نهم، ش (۳۳): ۱۳۶-۱۲۵.
- دی کی چینگ، فرانسیس (۱۳۹۱). **فرم، فضا و نظم**. ترجمه زهرا قراقرلو، تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقارزاده، حسن و زرکش، ندا (۱۳۹۵). کندوکاوی بر اصل سلسله‌مراتب در معماری اسلامی و فولدینگ. **چهارمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری**، تهران.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). **سیاحت‌نامه**. ده جلد، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- صاحب‌محمدیان، منصور (۱۳۸۶). سلسله‌مراتب محرومیت در مساجد ایرانی. فصلنامه هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی، سال دوازدهم، ش (۲۹): ۶۸-۵۹.
- طبسی، محسن و فاضل‌نسب، فهیمه (۱۳۹۱). بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان. هنرهای زیبا، ۱۷ (۳): ۹۰-۸۱.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. **مجله هنرهای زیبا**، ش (۲۶): ۶۶-۵۷.
- فلاحت، محمدصادق و نوحی، سمیرا (۱۳۹۱). ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۷ (۱): ۲۶-۱۷.
- کرمونا، متیو و هیت، تیم و تنراک و تیسدل، استیون (۱۳۹۱). **مکان‌های عمومی فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری**. ترجمه فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری، و اسماعیل صالحی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه هنر.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶). **تئوری شکل خوب شهر**. ترجمه سیدحسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۴). **فرهنگ فارسی معین** (جلد ۱: الف-ث). چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- میرمیران، سیدهادی (۱۳۷۷). سیری از ماده به روح. **مجله معماری و شهرسازی**، ش (۴۲ و ۴۳): ۱۰۰-۹۴.
- نژادابراهیمی، احد و شیخ‌الحکمایی، محمد (۱۴۰۰). اثر توالی سلسله‌مراتب در آفرینش حس تعلق به مکان مساجد تبریز. پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره نهم، ش (۴): ۷۵-۵۹.



- نصر، سیدحسین (۱۳۸۰). **معرفت و امر قدسی**. ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: فرزاد روز.
- یاقوت حموی بغدادی، یاقوت ابن عبدالله (۱۹۷۹ م. / ۱۳۹۹ ق.). **معجم البلدان**. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- Abbasi, S. F., & Abdi, M. H. (2019). Exploring the concept of place attachment in Iranian houses. *Journal of Conservation and Islamic-Iranian Architecture Studies*, 2(2), 45–60.
- Cross, J. E. (2001). What is Sense of Place. *Research on Place & Space Website*, Retrieved February 20, 2003, from http://www.western.edu/headwtrs/Archives/headwaters12_papers/cross_paper.htm
- Grotter, Y. (2007). **Aesthetics in architecture**. Translated by Jahanshah Pakzad & Abdolreza Homayoun. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Hummon, D. (1992). **Community Attachment: Local Sentiment & Sense of Place**. New York: Plenum.
- Mahdavi Nezhad, M., Ghasem Pour Abadi, M., & Mohammad Lavi, A. (2012). Typology of mosque-schools in Qajar era. *Journal of Studies on Iranian-Islamic City*, 3(11), 5–15.
- Mohamadian, M. (2007). Hierarchy of confidentiality in Iranian mosques. *Journal of Fine Arts*, 29(2), 59–68.
- Norberg-Schulz, C. (1997). **The Phenomenon of Place**. New York: Princeton Architectural Press.
- Salvesen, D. (2002). The Making of Place. *Research on Place & Space Website*, Retrieved February 20, 2003, from <http://www.matr.net/print-4108.html>
- Shamai, S. (1991). Sense of Place: An Empirical Measurement. *Geoforum*, 22, 347–358. . 3 5 . Tu an, Yi- Fu, (1 9 7 4), i Topophilia i, Englewood.
- Soltanzadeh, H. (1985). **History of Iranian schools from ancient times to Dar al-Funoon**. Tehran: Negah.
- Steele, F. (1981). **The Sense of Place**. Boston: CBI Publishing Company.
- Tabibian, M., Charbgou, N., & Abdullahi Mehr, A. (2011). Reflection of the hierarchy principle in Iranian-Islamic cities. *Armanshahr (Utopia) Journal*, 4(7), 45–59.
- Tabibian, M. (2012). The principle of hierarchical reflection in Iranian-Islamic cities. *Armanshahr Journal of Iranian Architecture*, 4(7), 63–76. https://www.isau.ir/article_141816.html
- Taghvaei, V. (2007). The Iranian architecture's hidden space system and structure. *Journal of Fine Arts*, 30, 43–52.
- Xu, Y. (1995). Sense of Place and Identity. *Research on Place & Space Website*, Retrieved February 20, 2003, from <http://www.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/repots/yards/main.html>



The effect of the skeleton and spatial hierarchy on the feeling of belonging to the place in the mosque of Safavid schools of Isfahan (a case study of the mosque - Chaharbagh, Imam and Hakim schools)

Hamed Hayati* Seyedah Zahra Meshali**

Abstract

The body and respect for hierarchy in architectural spaces is one of the most important principles in the formation of Iranian buildings, which is the manifestation of Islamic thoughts and ideas and the special characteristics of tradition, which has various dimensions. In Iranian Islamic culture, mosque-schools have a special place in architecture, so in this regard, in the Safavid period, schools became one of the most important types of buildings as the most important educational centers serving mosques. The concept of sequence and series of levels has always been emphasized in Iranian Islamic architecture, and this principle has been of particular interest to architects in the body of mosques and schools. Spatial sequence and hierarchy can lead people to feel belonging to mosque-schools. Therefore, according to the physical changes of the mosque-schools during the era, the concept and application of the series of classes has evolved. Therefore, considering the impact of hierarchy on the feeling of belonging to a place, it is necessary to investigate the relationship between the hierarchy in mosque-schools and the sense of belonging to a place. Therefore, the main question of this research is what is the effect of hierarchy on creating a sense of belonging to a place in mosque-schools of the Safavid period? The purpose of this article is the impact of the body and spatial levels on the sense of belonging to the place in mosque-schools of the Safavid period. The method of collecting research information is descriptive-analytical in terms of the type of results and in terms of historical-interpretive approach, which is done by the typological analysis method and library data collection method (documents) and with the tools of map reading, document reading and scanning, which are the architectural elements first. Inspects mosques. Then, he will discuss the role of these principles, including the spatial hierarchy corresponding to the body, on the sense of belonging to the place in the prominent mosque-schools of the Safavid period of Chaharbagh, Imam and Hakim in Isfahan. The results of the research show that the order, sequence and internal order that make up the shape of the body caused people to have a sense of belonging to the place. In such a way that changing the sequence or removing the hierarchy causes the nature of the body elements to change in order to create a sense of belonging. Therefore, this evolution, the understanding of the physical elements in the hierarchy is not done correctly and it affects the sense of belonging to the place of the people.

Key words: Spatial hierarchy, sense of belonging, skeleton, mosque-school, Safavid

* Assistant Professor, Department of Architecture, Technical and Engineering Faculty, Qom University, Qom, Iran.
Hamedhayati@yahoo.com

** PhD student of architecture, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (corresponding author).

mashali9196@gmail.com